

مذہب عالی ترین بستر برای شکوفایی شخصیت

دکتر غلامعلی افروز

اسوه های کمال و حضور در محضر خالق هستی پیدا می کند و اینجاست که گوشه هایی از کرامت و عظمت انسان، این اشرف مخلوقات به نمایش در می آید. همین است که می بینیم بندگان رشد یافته الهی - "عبدالرحمن" - همواره تاریکی شب را با نماز و نیایش به سپیدی صبح پیوند می زنند^۱ و خوشایندترین لحظه های حیاتشان ایستادن به نماز و سخن گفتن با خداست؛ که نماز کامل ترین پاسخ به عالی ترین نیاز انسان است.

باهمین نگاه روزه را می بینیم که جامع ترین پاسخ را برای نیاز انسان به صیقل وجود و شکستن چرخه ها و زنجیره های عادت به همراه دارد؛ زیرا عادت به هر فکر و عملی می تواند مانعی برای رشد و پرورش اندیشه های آزاد و خلاق باشد. اصولاً تربیت از زمانی شروع می شود که عادت شکسته شود و فکر و حرکت هدفمند و جهت دار دیگری آغاز گردد. هر فکر و حرکتی که با نیت، آگاهی و معرفت همراه نباشد نمی تواند چندان ارزشمند تلقی شود. همین است که شکستن عاداتی زیستی، ذهنی، کلامی و حسی و حرکتی فرصت دیگری است برای رویش دوباره جوانه های وجود و آزادی انسان از بندهای عادت. این است که رمضان به مثابه اردوگاه الهی، رسالت تربیت و تهذیب و تعالی شخصیت روزه داران را با برنامه ای جامع و پویا عهده داراست.

وحج، تولد و حیات دوباره ای برای انسان فراهم می آورد.

حج، گندزدایی نفس و بازگشت به خویشتن خویش و جست و جوی گمشده هایی از

انسان فطرتاً موجودی است خداجو و خلاق، چرا که انسان اساساً کنجکاو و جست-وجوگر آفریده شده است. کنجکاوای خمیر مایه خداجویی، خلاقیت و آفرینندگی است و رشد متعادل و متعالی انسان در گرو تأمین بهینه نیازهای اساسی اوست.

در کنار تأمین نیازهای زیستی، حسن ارضای نیازهای عاطفی و ذهنی، مناسب ترین بستر برای رشد شخصیت و آفرینندگی فکری انسان است. اما وجود در حال رشد و شخصیت متحول و پویای آدمی زمانی می تواند از آرامش کامل، سکینه قلبی و رضامندی درونی برخوردار شود که فرصت رویش همه جوانه های وجود فراهم آمده، زمینه اعتلا و پیوند با گستره هستی هموار شود و انسان از هر تعارض و دوگانگی و حسرت و حیرانی به درآید و جامعه یکتایی و توحید پوشد.

پیچیدگی خلقت آدمی به گونه ای است که نیازهای عالی انسان جز با گسستن حلقه های زنجیر تعلق و رهایی از وابستگیهای دنیوی و آزادگی و وارستگی مقدور نخواهد بود؛ تا بدانجا که عالی ترین نیاز انسان که همانا شکفتن همه غنچه های وجود و عروج انسان است جز با ارتباط مستقیم و سخن گفتن با خدا و دریافت پاسخ حضرتش میسر نخواهد بود.

اگر برنامه ها و فرایض مذهب را با دید عالمانه و عارفانه مورد توجه قرار داده، مبانی روان شناختی آنها را با جامعیت هر چه بیشتر بررسی کنیم، در می یابیم که تکالیف مذهبی

تماماً متناسب با وسعت وجود و ظرفیت روانی انسان است^۱. هر قدر انسان از رشدی متعادل تر و متعالی تر برخوردار باشد، نیاز بیشتری به همراهی با رشد یافتگان^۲، همانند سازی با

حج، فرصتی است که انسان با عادات نامطلوب کلامی و غیر کلامی بدرود گفته، با رفتارهای آمرانه و پرخاشگرانه بادیگران برخورد نکند و زیانش را به ناسزا، تهدید، دروغ و گفتارهای آزار دهنده و فریب کارانه آلوده نسازد.

اگر به همه آنچه که در سیر حج به هنگام احرام برانسان حرام می شود با دیدگاه روان شناختی و تربیتی نظر کنیم در خواهیم یافت که در واقع مجموعه آنچه که از باب ذکر در مناسک حج برانسان حرام شده، علائم یا نشانه هایی است از اصلی ترین زمینه های آسیب پذیری انسان در فرایند رشد و نیل به کمال.

بدون تردید صفاتی همچون: خود بینی و خود آزاری^۴، راحت طلبی و عافیت اندیشی^۵، خود آزاری و دیگر آزاری^۶، تخریب، تهاجم و پرخاشگری^۷، خود ارضایی و عدم کنترل رغبتها و تمایلات جنسی^۸، تفاخر و برتری طلبی^۹ و تزویر، تحقیر و توهین^{۱۰}، مهمترین زمینه های آفات رشد متعادل شخصیت و انحرافات اخلاقی است.

حج مدرسه ای است که در آن، انسان عملاً با آفات توحید و آثار شرک آشنا شده، با آگاهی و عشق، تمرین و تهذیب و رجعت به فطرت خویش، خودش را برای زندگی تازه ای براساس نگرش توحیدی و تعالیم مذهبی با کوله باری از گذشت و اینثار و مهر و صفا و صمیمیت آماده می کند.

یکپارچگی، توحید و کمال وجود و تمرین حیاتی هدفمند و متعالی است.

حج، تطهیر و تهذیب انسان در اقیانوس هستی و شست و شوی جان و پالایش روان درباران رحمت خداوندی است.

حج، قربانی کردن همه وابستگیها، تجلی اراده آدمی و غلبه بر کششهای نفسانی و حاکمیت عشق و معرفت و توحید است.

حج، آرامش روان و درمان هر اضطراب و بازپروری حقیقت وجود انسان است.

حج، درس صبوری و خویشتن داری، زدودن جلوه های کسب توجه و خودنمایی و پرهیز از راحت طلبی است

حج، خود فراموشی و خدا نگری است.

حج، شرک ستیزی و وحدت جویی است.

حج، درس ایستادگی، تقوا و تواضع است.

حج، نمایشی از خلع سلاح و دنیای امن و امان و آزادی و آسایش هر جنبه و جاننداری است.

حج، ذبح انانیتهای و شکستن پایه های تفاخر، وداع با خشم و غضب و آفتهای زبان و آسیبهای سلامت وجود است.

پاسخی برای نیاز حیاتی تر ایشان، یعنی نیاز به مهر و محبت و تعلق خاطر فراهم نماییم.

بیاید پایه های شناخت مذهبی کودکان و نوجوانان را با ریسمانی از مهر و محبت و گذشت و ایثار محکم کنیم.

بیاید با پرورش احساس مذهبی در کودکان و نوجوانان آنها را در برابر اختلالات رفتاری و آسیبهای اجتماعی بیمه کرده، وجودشان را از لغزش و نگرانی و اضطراب خالی نماییم.

بیاید با آمیزه ای از شناخت و احساسات خوشایند مذهبی، خاطره های محبت آمیز و تجارب به یاد ماندنی، زمینه ارضای نیازهای روانی، نوآوری و خلاقیت های ذهنی و شکوفایی شخصیت متعادل و متعالی نوجوانان را فراهم آوریم.

بیاید باورها و رفتارهای مذهبی کودکان و نوجوانان را با تأیید و تشویق تقویت کنیم و آنان را با الگوهای مطلوب و محبوب مذهبی آشنا و محشور سازیم.

بیاید با برقراری و حفظ ارتباطی صمیمانه و رفیقانه با کودکان و نوجوانان، احساس خودارزشمندی و اعتماد به نفس ایشان را تقویت کرده، با رفتارهای محبت آمیز و

آری، زندگی مذهبی قرار گرفتن در مدار هستی انسانی و برخورداری از فراخی اندیشه و گستردگی وجود است. احساس مذهبی زندگی را شیرین و پرمعنا و نیروی روانی انسان را مضاعف می سازد.

با احساس مذهبی انسان از عزلت و غربت، و تنهایی و افسردگی به درآمده، با همه پدیده های هستی پیوندی ناگسستنی برقرار می کند. خمیرمایه پرورش احساس مذهبی در کودکان و نوجوانان، عطف و محبت است. آنگاه که نخستین آشنایی و تجارب مذهبی بچه ها در فضایی خوشایند و درهاله ای از مهر و محبت انجام می پذیرد، زمینه های ظهور رفتارهای پایدار مذهبی بسادگی و نیکویی جلوه گر می شود.

آمیزه ای از شناخت و احساس خوشایند نسبت به فرایض و رفتارهای مذهبی، نگرش و باور زیبایی را در کودکان و نوجوانان پرورش داده، آنها را مشتاقانه متعهد به انجام وظایف مذهبی می کند.

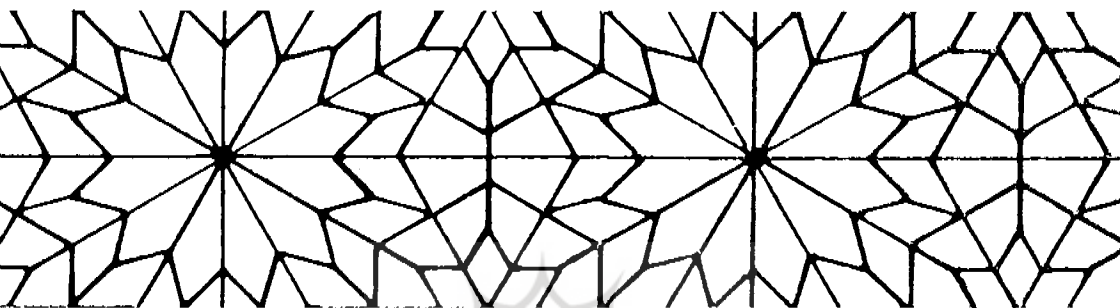
هرگز موعظه و صرف استدلال مذهبی و متقاعد کردن کودکان و نوجوانان به انجام وظایف مذهبی کافی نیست. در واقع با استدلال منطقی می توان تا حدودی به نیاز ذهنی کودکان و نوجوانان پاسخ گفت و آنها را مجاب نمود، اما برای اینکه استدلال منطقی ما زمینه ایجاد باور و بینش تازه و خوشایند و بالطبع ظهور رفتارهای مطلوب مذهبی را پدید آورد، باید مقدم بر تبادل فکری و چالش ذهنی و یا همزمان با آن با گویشها و رفتارهای محبت آمیزمان

رفتارهایمان را با مهر و محبت و تشویق و
عظوفت عجین نماییم.

و بیایید به آنچه که باور داشته و بر زبان
جاری می‌کنیم، عامل باشیم.

شفیقانه پاسخگوی نیاز آنها به دوست و
الگوی محبوب باشیم.

بچه‌ها تشویق پذیر و تنبیه‌گریزند، بیایید
بدور از هرگونه تحقیر، تهدید و تنبیه



پاورقیها:

- ۱- لا یكلف الله نفساً الا وسعها (سوره مؤمنون، آیه ۲۸۶)
- ۲- قد افلح المؤمنون (سوره مؤمنون، آیه ۱)
- ۳- عباد الرحمن... و الذین یتبتون لربهم
سجداً و قیاماً. (سوره فرقان، آیه ۶۴)
- ۴- در حال احرام نگاه کردن در آئینه
و استعمال بوی خوش و استفاده از انگشتری
زینتی و... ممنوع است.
- ۵- در حال احرام پوشاندن سرو و سایبان بر
سر قرار دادن ممنوع است.
- ۶- در حال احرام خون انداختن بدن، کشتن
حشراتی که در بدن سکنی گزیده اند و... ممنوع
است.
- ۷- در حال احرام کندن درخت و هر رویدنی
کشتن حیوانات و جدال و مسلح شدن به
سلاحهای گرم و سرد و... ممنوع است.
- ۸- در حال احرام خود ارضایی، معاشقه و
ارتباط با همسر و... ممنوع است.
- ۹- در حال احرام تفاخر و مباحات و... حرام
است.
- ۱۰- در حال احرام دروغ گفتن، تهمت زدن
و فحاشی حرام است.